

لوموند: روابط ترکیه و سوریه متحول می‌شود؟

میناسیان گایدز در مقاله ای در لوموند به موضوع تغییر در سیاست های خاورمیانه ای ترکیه به ویژه در سوریه پرداخته است.



به گزارش آران نیوز: رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، و ولادیمیر پوتین، همتای وی روز سه شنبه، نهم اوت، در سن پترزبورگ روسیه، دیدار خواهند کرد. این نخستین دیدار آن ها پس از شدت گرفتن تنش در روابط دو کشور به دنبال سرنگونی بمب افکن روسی بر فراز مرز ترکیه-سوریه در ۲۴ نوامبر سال ۲۰۱۵، است.

پس از ماه ها سردی روابط میان طرفین، روس ها و ترک ها، بر آن شدند تا از سطح تنش ها بکاهند. این منطق تنش زدایی با ابتکار اردوغان و ارسال نامه عذرخواهی از پوتین به علت سرنگون ساخت هواپیمای جنگی آن کشور، در اوایل ماه ژوئیه، کلید خورد و با کودتای نافرجام پانزدهم ژوئیه، در آنکارا و موضع روسیه در تاکید بر "بازگشت حکومت قانون و ثبات به آن کشور" گام دوم آن برداشته شد. پوتین، برای ابراز تسلیت کشته شدن بیش از ۲۶۵ تن، به اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، از این فرصت استفاده کرد. سرانجام، روس ها و ترک ها تصمیم گرفتند تا روابط اقتصادی خود را پس از ماه ها تحریم، از سر گیرند. همکاری های متعدد

سیاست تلاش برای بهبود روابط که به نظر می آید میان آنکارا و مسکو پدید آمده است، تا حدودی شگفت آور است. اگر چه ترکیه و روسیه در گذشته، چهار بار با یکدیگر جنگیده اند، اما تاریخ این دو کشور شاهد پیامدهای دراز مدت همکاری میان آن ها بوده است. بی آن که بخواهیم به دوران گذشته امپراتوری دو کشور باز گردیم، روابط میان مسکو و آنکارا به رغم نوع حکومت هایشان همواره روابطی نزدیک بوده و به همین علت، بدگمانی و نه طرد غرب، همیشه عامل اصلی تجارت میان این دو کشور به شمار رفته است. در خلال دو جنگ علیه اروپا بلشویک ها و کمالیست ها و همکاری داشتند، بلشویک ها برای مبارزه با الگوی حکومت بورژوازی، و کمالیست ها، برای مقاومت در برابر سلطه اروپا. نماد این همکاری در قرارداد ۱۶ مارس سال ۱۹۲۱ مسکو و توافق مونترو در سال ۱۹۳۶ میلادی در مورد تنگه های بسفر و داردانل، متجلی شد. پس از فوت استالین در سال ۱۹۵۳، رهبران کمونیست اعلام کردند که اتحاد جماهیری شوروی سوسیالیستی، هیچگونه ادعای سرزمینی نسبت به ترکیه ندارد، از جمله پیوستن آن کشور به پیمان ناتو، در سال پیش از آن تغییری در منافع طرفین ایجاد نمی کند. همین طور، در دوران جنگ سرد، روابط شوروی و ترکیه هیچگاه گسسته نشد، و بدگمانی ثابتی نسبت به غرب در باره اعمال مقررات سختگیرانه برای پیوستن به پیمان مشهود بود. در واقع، در جریان بحران قبرس در سال های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۴، در حالی که جانسون، رئیس جمهور آمریکا به ترکیه در باره هرگونه اعزام و پیاده کردن نیرو در این جزیره پس از تصمیم اسقف ماکاریوس، رئیس جمهور قبرس برای ملغی کردن قانون اساسی هشدار می داد، عصمت اینونو نخست وزیر وقت ترکیه، میان مقاومت در برابر واشنگتن یا گرایش به سوی شوروی، اصل بی طرفی کمالیست ها را برگزید. کمتر از بیست سال بعد، کودتای نظامی در آنکارا در سال ۱۹۸۰، هم بر روابط میان مسکو و آنکارا تغییر چندان محسوسی پدید نیاورد. سرانجام، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۹۱ میلادی، ترکیه عضو پیمان آتلانتیک از مشکلات روسیه سود جست و در سال ۱۹۹۲ میلادی، به رغم ظهور جمهوری های ترک زبان آسیای مرکزی، جنگ در قفقاز و پروژه خط لوله نفتی دریای خزر که از کنار روسیه و درون ترکیه می گذرد، قراردادی در باره زیربنای روابط با روسیه را امضا کرد.

شریک راهبردی

جنگ سرد نیز به پایان رسید و به قدرت رسیدن پوتین در مسکو و پیروزی حزب اسلام گرای رجب طیب اردوغان در آنکارا و روابط دوجانبه، شریک راهبردی اقتصادی را به وجود آورد. البته، این ایستادگی منطق پسا امپریالیستی، و این بازگشت قدرت های نوظهور به نام "نظم نوین جهانی" عمل کرده و خواستار چند قطبی شدن جهان شد. ساعت زمان برای انجام کارهای بزرگ به حرکت درآمده بود: احداث گازدوک بلو استریم، مرکز هسته ای آکایو در ترکیه، و تشکیل شورای عالی همکاری، گردشگری در بالاترین سطح و پروژه گازدوک ترکمنستان.

با وجود این، عمق روابط تاریخی چیزی را توجیه نمی کند. گرم شدن روابط با ویژگی های شخصیت خودکامه دو رئیس جمهور، گره می خورد. اگر اردوغان، اکنون قدرت خود را تقویت کرده است، فراموش نمی کند که ترکیه از کودتای نافرجام جاری دچار ضعف و بی ثباتی شده است و روسیه از این رخداد می تواند کمال استفاده را ببرد. بویژه که "سلطان جدید" (اردوغان) غرب را به حمایت از تروریسم و همکاری با کودتاچیان متهم می کند. در واقع، به این دلیل که روابط گسترده تر میان ترکیه و غرب به تیرگی گراییده، مسکو و آنکارا، از هم حرف شنوی دارند تا جایی که اردوغان در نظر دارد کشورش را به سازمان پیمان همکاری های شانگهای شامل روسیه، چین و هندوستان، و به رغم فهرست بلند و بالای اختلاف های ترکیه و روسیه (سوریه، قفقاز، کریمه)، وارد کند.

در واقع، انعطاف پذیری رئیس جمهور ترکیه هم حدودی دارد، اردوغان، از نزدیک شدن به رهبری با ویژگی های مشابه خود، چیزی برای از دست دادن ندارد و حتی آماده است برای تقویت روابط با اروپایی متعهد به توافق شکننده در باره پناهجویان و

غربی متعهد به رعایت دموکراسی، دست خود را به سوی آن‌ها دراز کند. از طرفی، هر اندازه ترکیه و روسیه، روابط متقابل خود را بیشتر تقویت کنند، دیپلماسی آزار دهنده شان هم بیشتر گریزان بودن جهان از غرب را به تصویر می‌کشد. و این امر بدون پیامدهای جنبی بویژه، نگرانی‌های ایران، مخاطب جدید آمریکا و اروپا، نیست.

با وجود این، نباید ساده لوح باشیم و تصور کنیم روسیه و ترکیه وقایع ملی و حساس گذشته خود را از یاد خواهند برد. در واقع، روابط روسیه و ترکیه، مانند زوج سالمندی است که بدون جدا شدن از یکدیگر، همچنان وانمود می‌کنند، زوج هستند. بنابراین، بیایید به اردوغان و پوتین برای گشودن فصل تازه‌ای از مناسبات مطلوب در سنت پیتربورگ، تا پرده نمایشی دیگر، اعتماد کنیم.